

آفرینش چشم اندازی اورارتویی در ماوراء قفقاز جنوبی

پژوهشی در نظام معماری سیاسی (۲)*

نوشته: آدام بی اسیت
ترجمه: بهرام آجرو

مکتوب با اسامی شاهان قرن ۸ ق.م (که تعدادی از آنها عبارت شهر اربونی را دارند) از کارمیریلور دلالت می‌کند که این میراث‌های بازمانده، با هر اهمیت سیاسی که داشته‌اند، به دژ جدید منتقل شده بودند. این جابه‌جایی در اولین سال حکومت روسای دوم همراه با کاهش اندکی در میانگین ارتفاع مکان استقرارها اتفاق افتاده بود. در نتیجه ترک اربونی به نفع کارمیریلور، رقم خارج قسمت [عمل محاسبه پراکندگی مکانی] مکانی کلی برای استقرار دوره بازسازی به ۰/۶۷ تنزل یافت؛ [رقمی] پائین‌تر از ۱/۶ دژهای اورارتویی دوره امپراتوری. ارزش رقم LQ برای عصر آهن اولیه و دوره‌های بازسازی و امپراتوری اورارتویی تداومی به سوی استقرار مجدد مراکز سیاسی قدرت از دامنه کوهستان به سوی دشتها را نمایش می‌دهد. به عبارتی دقیق‌تر، این [مقوله] تداوم بر هم‌کنش مستقیمی میان اتباع و دولت‌ها را پیشنهاد می‌کند و بر تداوم [روند] اغماض سیاسی و کنترل بسامان کل سازمان زندگی روزانه دلالت دارد.

برخلاف دوره امپراتوری، دژ سازی در مدت دوره بازسازی به دلیل گرایش به دشت (تصویر ۴ سی) بوضوح متفاوت است. برعکس تداوم ابعاد دژها در مدت دوره امپراتوری، دژهای ساخته شده دوره بازسازی به وضوح به پاسگاه‌های کوچک و یک قلعه بزرگ مرکزی تفکیک می‌شوند. ادله عملی این تفاوت آشکار در محوطه دژها کلاً واضح نیستند اما مکان دژهای کوچک در دشت و دژهای مرکزی بزرگ در حاشیه یک سازمان قدرت مرکز گرا با فرماندهی اعمال شده از رأس تپه مشرف بر دشت و یک اقتصاد سیاسی مرکز گریز را پیشنهاد می‌کند که با حرکت وارونه کالاها از دشت به حاشیه تعریف می‌گردد.

توپوگرافی سایت‌های دوره بازسازی (تصویر ۸)، چنانکه دوره امپراتوری، از همگرایی به ارتفاعات به جنبه‌هایی می‌گراید که مراکز سیاسی عصر آهن اولیه را تبیین می‌کنند. درجه سطحی متوسط برای سایت‌های دوره بازسازی در دشت آرات‌س روی هم رفته ۱۶٪ است؛ اندکی کمتر از ۱۹/۷٪ دوره امپراتوری. کارمیریلور در رأس تپه‌ای با شیب ملایم قرار دارد که عوارضی طبیعی در غرب و جنوب دارد و با تنگه رودخانه رزدان در جبهه شمالی آن دفاع می‌گردد اما دژ آراگاتس بر روی تپه کوچکی ساخته شده است که فقط ۱۰ متر از دشت ارتفاع دارد. حجم ساخت و ساز در آراگاتس کل تپه را دربر گرفته و درجه‌ای با معدل ۸٪ را عرضه می‌دارد.

همچون نمونه‌های پیشین آنها، دژهای دوره امپراتوری (تصویر ۷) بالای تپه‌ها و مرتفعات ساخته شده‌اند. هر چند توپوگرافی محوطه‌های اورارتویی به لحاظ اهمیت از دژهای عصر آهن اولیه اہت کمتری دارند. در مقایسه با رقم ۳۰/۸٪ برای دژهای عصر آهن اولیه، معدل کلی درجه سطحی برای محوطه‌های دوره اورارتویی ۱۹/۷٪ است. توپوگرافی دژهای اورارتویی دشت آرات‌س با سایت‌های معاصر آنا تولی شرقی متضاد است. برای مثال، درجه سطحی چاووش تپه در پرشیب‌ترین مناطق ۲۸٪ تا ۴۰٪ تفاوت می‌یابد. حدس اهمیت تنوع پذیری منطقه‌ای در گزینش الویت‌های سایت خبر از تنوع نظام‌های معماری اتباع - دولت در اورارتو می‌دهد.

در مقایسه با همترازهای عصر آهن اولیه، نتیجه مشهود پراکندگی، دینامیک‌های ابعاد و توپوگرافی سایت‌های دوره امپراتوری آن بود که دژهای اورارتویی نسبتاً قابل دسترسی هستند. موانع توپوگرافیک از تردد میان مراکز اورارتویی و اراضی که در آنها سایت استقرار یافته بود، ممانعت نکردند. نظام‌های معماری سیاسی در دشت آرات‌س تحت سلطه امپراتوری اورارتویی از الگوهای الزاماً عمودی تثبیت شده میان اتباع و دستگاه سیاسی، که با چشم اندازهای عصر آهن اولیه تبیین یافته بود، به روابط مکانی بسیار مستقیم هدایت گردیدند. دولت با مرکز قدرت متمرکزش در کوهستان‌ها زیاد هم غافل نمانده بود و بواسطه برهم‌کنش‌های سامان یافته، حضوری مستقیم بر اتباع داشت.

دوره بازسازی

پراکندگی کلی استقرار در دشت‌های آرات‌س و شیرک فقط نسبتاً اندکی تعدیل یافته یا بازسازی شده بود (تصویر ۶). گرچه حداقل ۳ استقرار دوره امپراتوری - Voskevaz، آرگیشتی هینیلی و هرورم شمالی - ظاهراً در ق.م. مسکونی باقی مانده بودند^۱، ما فعلاً فاقد اطلاعات درباره وضع دژهای آرتاشات، Dvori، متسامور، آراموس و منواهینیلی هستیم و بنابراین نمی‌توان آنها را در بحث کنونی دوره بازسازی وارد کرد.

تحول بسیار مؤثر در استقرار اورارتویی دوره بازسازی، ترک مرکز سیاسی منطقه‌ای در اربونی به نفع تعدادی اندک از دژها بود؛ Teishebaiuru (شهر تیشبا) در کارمیریلور، ۷/۳ km غرب. کمبود کلی کار ابزارهای منقول در اربونی ترک آنها را پیشنهاد می‌کند و کشف شماری اشیاء منقوش و

پس ارزشهای حاصل توسط هر مکان از همسایگانش حاصل جمعی با دادن ارزش کنترلی برای آن مکان است. مکانها با ارزشهای کنترلی بیش از 1.0 مکانی متمرکز را دلالت دارند که یکی به صورت بالقوه قوی در کنترل است. اندازه کمی نمی تواند مکانهایی را که آنها حضوری مجدد را معنی می بخشد کاملاً توصیف کند. همچنین آنها جهت کاربرد در کل حالات را هدایت می کنند. هر چند که آنها به ما روشی برای تبیین گشتارها در نظام معماری کل دورانی می دهند که می تواند ساماندهی مکانی را شفافیت بخشد.

عصر آهن اولیه

متأسفانه ما شناخت اندکی از سازمان نهادین نظامهای سیاسی ماقبل اورارتویی عصر آهن اولیه داریم. محوطه های کمی با افق دید اندکی گسترده جهت حمایت از بازسازی سازمان درونی دژهای اولیه کاوش شده اند، هر چند که مدارک در دسترس در هم آمیختگی اجزاء سازنده اقتدار دولتی در این زمان را پیشنهاد می کند اما درجه فرموله کردن حاصل با دولت اورارتویی وجود ندارد. دولت - دژهای اولیه ماوراء قفقاز جنوبی فعالیتهای زیادی داشتند: برگزاری شعائر مذهبی (به استناد مجموعه معابد در متسامور)، تولید اقتصادی (به استناد خدمات فلز کاری در متسامور و صنایع دستی استخوانی در هرورم جنوبی پیشنهاد شده است) و قطعاً دژ نظامی (به استناد ماهیت دفاعی خود دژها).^۷ این فعالیتهای که در مکانهای جداگانه درون دژها انجام می شد تفکیک کارکردی را پیشنهاد می کند و گونه پیوستگی ساختاری درون نظام سیاسی خبر از نهادینه کردن [امور] دارد. درجه فرموله کردن این فعالیتهای برای تشخیص و شناخت ساختار مدار نهادها در حال حاضر جهت سنجش دشوار است. هر چند که، چنان ساختارهای سیاسی کاملاً شکل نگرفتند و واضح است که بواسطه زمان اورارتو در ماوراء قفقاز جنوبی توسعه یافت و مجموعه ای از نهادهای مذهبی، اداری و اقتصادی که وابسته به هم بودند چنان اجزایی متراکم و مرکب در قالب قدرتی دولتی توسعه یافتند.

دوره امپراتوری

سازمان مکان دژهای اورارتویی دوره امپراتوری دشت آرات نسبتاً به لطف کاوشهای گسترده در محوطه های اربونی و آرگیشتی هینیلی مستند شده است. کاملاً بدیهی است که دژهای اورارتویی محیطهای پیرامون را شکل داده اند که مکانها را به طریقی ویژه جهت تبیین مجموعه های روابط مکانی میان تفکیک کارکرد مدار اجزاء سازنده مجموعه دستگاهی دولتی فراهم کرد.

۱ - آرگیشتی هینیلی

آرگیشتی هینیلی در ۵ km شمال رود ارس قرار دارد. مرکز بزرگ اورارتویی آرگیشتی هینیلی^۸ در خط الراس کوهستان جای گرفته است که با نام تپه های داوود شناخته می شود و مجاور ۲/۵ km شرق آن ارتفاعات مخروطی شکل بازالتی قرار دارند که نام آنها آرمانتیو است. دیوارهای دژها ضخامتی متنوع از ۲ تا ۵ متر دارند و از بلوکهای بازالتی ساخته شده اند که روکش خشتی دارند. معماری سنگی به سبک سنگهای نیمه حجاری شده است اما سنگ چینی متراکم و با مفاصل اتصالی سنگها آنگونه نیست که در معماری اورارتویی حوضه دریاچه وان می شناسیم، دژهای غربی در آرگیشتی هینیلی بالای مرتفع ترین ارتفاعات پنجگانه، که با تپه های داوود مقایسه می شوند، در غرب مجموعه اقامتی قرار دارند (تصویر ۱۰). دروازه اصلی دژ در شیب شمالی قرار دارد و با شیب راههایی بالا رونده ساخته از پشته خاک قابل دسترسی می شد.^۹ سازمان درونی مکانی به

آنالیز آماری تنوع توپوگرافی در هر دوره بر اهمیتی بسیار $(P = 0.01)$ دلالت می کند که در معدل درجه سطحی نسبت به عصر آهن اولیه در مدت دوره بازسازی تنزل یافت. برای تبیین کارکرد، توپوگرافی مهم است زیرا که قابلیت دفاع پذیری و قابلیت دسترسی در طرحریزی سایت تضاد می آفرینند. به نظر می رسد که با دوره بازسازی، قابلیت دسترسی دژها بیشتر مدنظر بود و خدمات دفاعی برتر با دژهای جای گرفته در محوطه هایی با موقعیت توپوگرافی عالی پیشنهاد گردید.

گشتارهای چشم انداز دشتهای شیرک و آراتات عصر آهن اولیه در مدت دوره بازسازی اورارتویی ابعاد توپوگرافی و اسکالر و مکانی نظام معماری دولت - اتباع را تبیین می نماید. روابط میان مراکز قدرت سیاسی و میان این مراکز و حومه، چهارچوبهای مکانی گسترده درونی که قدرت سیاسی به کار گرفته بود را تبیین می کند. باریک بینی و موشکافی دستگاه حاکم است که نیروهای قدرت را فراهم می آورد. ما می باید سازمان درونی مراکز سیاسی که نهادها را درون روابط سیاسی با یکدیگر جای داده بودند، بیازمائیم.

نهادها

مادامیکه روابط دولت - اتباع خوب بود در مقیاسی منطقه ای منجلی می گردید، تحقیقی در نهادهای سیاسی دید دقیق بیشتری می طلبد که بتواند [مسأله] سازمان مکانی دژهای ایشان را حل کند. نظام معماری استقرارها می تواند بوضوح چکیده مجموعه ای باشد که محیط زیست را با نمودارهای مکانی که مکانها را چنان حلقه های مرتبط با گذرگاهها (تصویر ۹) نمایش می دهد، ساماندهی کند.^۴ این نمودارها با فاصله الگوها را در نظام معماری آشکار می نماید که می تواند بواسطه ویژگیهای شکل معماری مبهم باشد. دو نظام معماری که قابلیت تنوع پذیری دارند از جاذبه های خاص این مطالعه هستند؛ تقارن و پراکندگی مکان (تصویر ۹ ب). هنگامی که گذرگاهها همه مکانها را مرتبط می کند مکانها به مثابه سیستمی متقارن تبیین شده اند، معکوس آن عدم تقارن، بر مکانهایی دلالت دارد که وقتی با همدیگرند، قابل دسترسی هستند. مکانها پراکنده اند هنگامیکه آنها با بیش از یک گذرگاه غیر متقاطع مرتبط هستند؛ به طرز معکوس، مکانهای غیر پراکنده، گذرگاههای کمی دارند که ساختارهای فرعی با شماری راههای بن بست ایجاد می کنند.

با عنایت به کلیت سازمان دهی اماکن، تقارن محیطی ساخته و پرداخته درجه ترکیب میان تفاوت حوضه های عمل و کارکرد را منعکس می کند. ترکیب می تواند در رابطه با گروههای کارکردی متفاوت (همچون کارگران و کارفرمایان) تفسیر شود یا گروههای اجتماعی (همچون ثروتمندان و فقرا یا زنان و مردان) یا، با تفاوت بیشتری در این مبحث، نهادهای جداگانه. پراکندگی مکانها کمتر معیار کلیت سیستم است تا اینکه توصیف روابط میان مکانهای ویژه. بنابراین معیار پراکندگی پتانسیل مکانهای فردی در چهارچوب تمامیت نظام معماری محیطی ساخته و پرداخته به کار رفته است.

تقارن می تواند با سنجش شیب مکانی نسبت به کل دیگر مکانهای سیستم سنجیده شود. نسبت واقعی عدم تقارن (RRA) مقایسه واقعی شیب با شیبی را ارزش گذاری می کند که محیطی ساخته و پرداخته می توانست به لحاظ تئوریک کل عدد مکانها را داده باشد. RRA^۵ که ارزش گذاری می شود (کمتر از 1.0) محیطی ساخته و پرداخته ترکیبی نسبی را دلالت می کند.

پراکندگی (یا کنترل) سنجشهای شمار همسایگان برای هر مکان نسبت به همسایه مکان مجاور سنجیده می گردد. هر مکان $1/N$ به همسایه اش می دهد، جاییکه N عدد مکانهای مجاور را مساوی می کند.

نشده است (تصویر ۱۱)، ۱۵

در پاره‌های مسائل، پیش‌داوری درباره بازسازی محوطه در دوران هخامنشی و دورانهای بعدی، مقدمه درک ما از سازمان دهی محوطه، آنگونه که اساساً آن [محوطه] ساخته شده بود، گردید.^{۱۶} گرچه نقشه کلی دژ نادیده انگاشته شده بود، درباره چهارچوب دیوارهای دژ و سالیابی تالار ستوندار مرکز مجموعه نیز فکری نشده بود. آنالیز سازمان فضا در اربونی با یافته‌های باستانشناختی نسبتاً اندکی از سایت، در نتیجه ترک آن در قرن ۷ ق.م، آشفته شده است.

گرچه اربونی تقریباً نصف آرگیشتی هینیلی است اما دوبرابر آن اتاق دارد هرچند مجموعه‌ای واحد و یکپارچه می‌نماید. اربونی سیمایی متراکم دارد و این قرارگاه به صورتی متراکم طراحی شده است. گرچه اربونی نسبت به آرگیشتی هینیلی شیب تندتری دارد اما نمودار مکانی دژ (تصویر ۱۱) دلالت دارد که اربونی مشابه مجموعه‌های میان پیوسته سازماندهی شده بود ولی واحدها نیمه مستقل بودند. مقدار ارزش RRA اربونی ۱/۳۲۷ است، اندکی بیش از آرگیشتی هینیلی، و بازتاب تمایل بیشتر فضاهای اربونی به جدایی از همدیگر است تا اینکه ترکیب [مجموعه اربونی و اگر است تا اینکه همگرا]. تقریباً کل این افزایش در رقم RRA برای دژ می‌تواند جهت سازماندهی بیشتر نامتقارن واحد پنج ردیابی شود. شاید بیشترین جنبه بارز قرارگاه اربونی پراکندگی فضا باشد. تردد در دژ با چندین معبر دسترسی که بر مجموعه اشراف بهتری دارند، به حالتی متراکم سامان یافته بود (اتاقهای ۴، ۱۷، ۳۵ و ۷۴).

به نظر می‌رسد که چهار مجموعه فرعی در اربونی در راستای محورهای کاربردی تقسیم شده بوده‌اند. واحد ۱ (اتاقهای ۴ تا ۱۱، ۶۷ و ۷۲) بخش پذیرایی بوده است؛ فیچری که به آشکارا در آرگیشتی هینیلی غایب است.

اتاقهای واحد ۲ (اتاقهای ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۶ تا ۲۸ و ۳۴) ناقص حفاری شده بودند و کاربرد این مکانها مشخص نیست. هرچند که پیوتروسکی پیشنهاد می‌کند که شاید آنها انبار بوده باشند اما در مقایسه با آرگیشتی هینیلی این فرض پیش می‌آید که این واحد همچنین می‌توانسته است مکانی برای [اقامت] کارمندان رکن باشد.^{۱۷}

واحد ۳ (اتاقهای ۱۵ و ۳۵ تا ۵۲) محوطه‌ای مقدس متمرکز در پیرامون معبد Sus بود (اتاق ۳۶). معبد به واسطه دو کتیبه وقفی مکشوف از یک طرف درگاه ورودی شناخته شد.^{۱۸} بازمانده اتاقهای پیرامون حیاط احتمالاً مجموعه‌ای اقامتی معبد را تشکیل می‌داده‌اند، گرچه گزارشهای منتشره کاوش به جزئیات معماری هر یک از اتاقها نمی‌پردازد. پیوتروسکی واحد ۴ (اتاقهای ۶۸ تا ۷۱ و ۷۳ تا ۸۴) را مجموعه‌ای اتاقهای انباری معرفی کرده است. این مجموعه شامل: اتاق ستوندار مرکزی بزرگی (۷۱) است که به عنوان انبار شراب به کار رفته است. پیوتروسکی اتاقهای کوچکتر واقع در طرف دیگر انبار شراب را انبار غلات معرفی می‌کند.^{۱۹}

هرچند مجموعه‌های فرعی در اربونی بسیار شبیه و هم‌تای آرگیشتی هستند اما سازمان واحد ۵ (اتاقهای ۵۶ و ۵۸ تا ۶۶) از این الگوی تقریباً متقارن و شدیداً فضای متمرکز بسیار دور می‌شوند. به واحد ۵ از طریق اتاق ۶ راه می‌یافتند. پیوتروسکی پیشنهاد می‌کند که این اتاق اساساً با دو ردیف ستون، ستوندار بوده است که بعدها بازسازی گردید (شاید در دوره اورارتویی یا شاید هم بعدها).^{۲۰}

در مدت بازسازی، تالار ستوندار با پشت بند دیوار [شمعک] توسعه یافته و محصور شده بود؛ تالاری اقامتی با ۳۰ ستون که به یادانا شباهت دارد - که از محوطه‌های هخامنشی تخت جمشید، شوش و پاسارگاد شناخته شده است.

این تالار ستوندار یا یادانا به اقامتگاه سلطنتی ختم می‌شود و با

دلیل وجود دیوارهای متفاوت در امتداد محوطه کاملاً شناخته نشده بود با وجود این به قدر کافی کاوشگران توضیح داده‌اند.

نموداری مکانی از دژهای غربی در آرگیشتی هینیلی (تصویر ۱۰) نمایی عالی از شیوه‌ای را موجب می‌شود که در فضای دژها فراهم شده بودند. آنچه هست آن است که از این نمودار واضح است که دژها مرکب از ۳ واحد مستقل بزرگ بودند؛ مجموعه‌ای از اتاقهای کوچک که پیرامون صحنه‌ای مرکزی سازمان و گسترش یافته بودند. این واحدها هر کدام به یکدیگر با راهرویی منفرد متصل بودند، حدس آن است که تردد میان واحدها بسامان و آزادانه بود.

ارزش RRA برای دژ میانگینی ۱/۰۴۸۳ است که دلالت دارد نظام معماری دژ در حالتی میانگین متقارن بود و نسبتی که محیط زیست را سامان می‌دهد مطرح می‌گرداند. ارزشهای کنترلی برای دژ پیشنهاد می‌کند که اتاقهای ۲، ۱۷ و ۱۸ دسترسی مابین هر واحد را سامان می‌دادند. بنابراین، مادامیکه سازمان مکانی دژ روی هم رفته به حالتی میانگین مرکب بود، ارزشهای کنترلی بر کنترل شدید تردد میان واحدهای مجزا به صورت معمارانه دلالت می‌کنند.

کاوشها در آرگیشتی هینیلی غربی کاربردهای اولیه فضا درون هر واحد را شفاف گرداند. واحد I (اتاقهای ۱۵-۲) به عنوان اتاق نشیمن برای مدیران زیردست به کار رفته بود؛ به گفته Martirosian حیاط مرکزی و واحدهای مجاور چونان بخشی برای کارمندان زیر دست دولتی (در تضاد با اقامتگاههای حکام بلند پایه دولتی مکشوف از بیرون دژ) به کار رفته بودند.^{۲۱} در واحد ۲ (اتاقهای ۱۷، ۲۹ تا ۴۱ و ۴۹) سه بنا بوده که کاوشگران به عنوان معبد تلقی کردند.^{۲۲} معابد ۱ و ۲ (اتاقهای ۲۸، ۲۹ و ۴۹) ابنیه‌ای کاملاً توصیف نشده بودند که به عنوان مکانهای بزرگ مذهبی بر مبنای وجود اشیاء آیینی چون ظروف ویژه، چراغهای دیواری و پرچهای آهنی دیوار در میان مواد مکشوف شناسایی گردیدند. ماهیت مذهبی معبد ۳ (اتاقهای ۳۸ تا ۴۰) هم از بزرگی مجموعه و هم از مقیاسات معمارانه با معابد بین‌النهرینی (نه با دیگر نمونه‌های اورارتویی) استنباط شده بود.^{۲۳} این مجموعه ساختمانی متراکم از ۴ اتاق، گرچه کاملاً کاوش نشده، از دیوارهای ضخیم ۲/۵ تا ۵ متری ساخته شده که به خوبی با بلوکهای بازالتی روکش شده بود. درگاه بنا از دو بلوک حجیم بازالتی قائم مزین گچ اندود و دو نعل درگاه بازالتی ساخته شده بود. روساز خشتی بازمانده آثار و نشانه‌های گچ‌اندود نقاشی شده را داشت.

واحد ۳ (اتاقهای ۱۶، ۱۸ تا ۲۷ و ۴۲ تا ۴۸) در جبهه شرقی دژ نیز بزرگتر بود هر چند که کاملاً کاوش نگردید اما در این اتاقها وجود مدارک انبارداری بررسی شد. اتاق ۴۳ شامل ردیفی از خمره‌های بزرگ کارگذاشته در کف اتاق می‌شد، مشابه این مدارک در انبارهای دیگر محوطه‌های اورارتویی چون بسطام گزارش شده است.^{۲۴} مقادیر مشابهی نیز در بخش کاوش شده اتاق ۲۷ کشف شده بود که پیشنهاد می‌شود همه این اتاقها در واحد ۳ برای انبار مالیات و عایدات امپراتوری به کار رفته بودند. سه واحد معماری دژ خطوط کلی خوبی از دستگاه دولت اورارتویی در دشت آرات و تسلط مذهبی و اداری بر محیط، با تسهیلات مشخص مکانی برای انباشت و پخش مجدد عایدات امپراتوری، ترسیم می‌کنند. مستنداً اینها همان اجزاء سازنده در دژهای معاصر اربونی هستند.

۲ - اربونی

اولین دژ اورارتویی ساخته در شمال رود ارس، اربونی (آرین برد کنونی) بر شهر کنونی ایروان اشراف دارد.^{۲۵} هرچند آرگیشتی هینیلی اغلب به عنوان مرکز اقتصادی منطقه‌ای توصیف شده است ولی اربونی - ۴۶/۷ km شمال شرقی - به عنوان مرکز سیاسی منطقه‌ای در مدت دوره امپراتوری پذیرفته

اینکه با ایجاد زوایایی بر همدیگر. در واقع، پشت بند دیوارها و معماری سنگی نیمه حجاری شده مشخصه سبک معماری اورارتویی برخلاف سبک یکنواخت آن ساخته شده‌اند. چهارچوب هروم شمالی با نمونه‌های سلف عصر آهن اولیه‌اش مشابهت دارد تا اینکه با نمونه‌های معاصر عصر امپراتوری. نقشه بی‌قاعده هروم شمالی دو تفسیر احتمالی جالب توجه را پیشنهاد می‌کند: اول اینکه ساختمان دژ تحت نظارت عالی و مستقیم معماران اورارتویی تکمیل نشده‌است بلکه معماران محلی اند که با عنایت به سبک و طرح دژهای عصر آهن اولیه کار را تکمیل کرده‌اند (عنایت کنید به پشت بندهای منظم). دومین احتمال آن است که هروم، به عنوان پاسگاهی در خط مقدم، بدون طراحی و برنامه‌ریزی کامل و دقیق، همانگونه که پاسگاههای سلطنتی مرکزی ساخته می‌شدند، ساخته شده است. در نتیجه بسیاری از باستانشناسان بر تنوع پذیری زیاد درک ما از طرح دژهای اورارتویی اذعان دارند. تفسیر بعدی از دیگر پاسگاههای خط مقدم امپراتوری، همچون پایگاه سیوان، نمی‌تواند زیاد حمایت کند. وانگهی، ابعاد هروم شمالی مساحتی $3/57$ هکتاری را دربر می‌گیرد و نمی‌توان به سادگی آن را یک پاسگاه توصیف و معرفی کرد.

هرچند که بی‌تردید شناخت ما از ویژگیهای دژهای اورارتویی کافی نیست ولی امروزه بر تنوع پذیری طراحی آنها اذعان می‌شود.

اولین تفسیر بسیار ضروری و لازم است. کاوشها حضور فراوان سفال سبک محلی - با حفظ سنتهای عصر آهن اولیه - همراه با مجموعه سنتهای فرهنگی اورارتویی در سایت را تصدیق کرده‌اند. این مدرک پیشنهاد می‌کند که شاید هروم تحت حاکمیت اتحادیه حکام محلی بوده باشد تا اینکه تحت نظارت دستگاه دولتی امپراتوری اورارتویی؛ بویژه بر اساس مدرک نظام معماری اربونی و آرگیشتی هینیلی.

چندانکه کاوشها در هروم ادامه دارد، کنجکاوی ما برای درک تنوع پذیری منطقه‌ای استراتژیهای حکومت اورارتویی جهت مقایسه نظام معماری محلی هروم با نمونه‌های معاصر مراکز امپراتوری جنبه حیاتی دارد و می‌یابد.

دوره بازسازی

چشم انداز ایجاد شده توسط دولت اورارتویی در دشت آرات در مدت دوره امپراتوری نه فقط توسعه بلکه نظام اداری منطقه‌ای توسط نهادهای سه گانه حکومت تمرکز یافته و جای گرفته، درون دستگاه سیاسی اورارتویی را تسهیل می‌کند؛ نظام اداری، سلطنتی، مذهبی، و معبد و اقتصاد. به نظر می‌رسد بی شباهت به طرحهای سلطنتی آشوریان یا پارسیان، مجموعه کلی نهادهای اورارتویی بخشی از یک مجموعه حکومتی ترکیبی و منفرد بوده‌اند که از تأثیرات فاتحان و اشغالگران پیروی کرده است. خود سازمان دهی فضای درون دژ پیشنهاد می‌کند که نهادهای اقتصادی، اداری و مذهبی هرچند درجه‌ای از استقلال ساختاری را حفظ می‌کنند، که به واسطه کنترل مذهبی موجود بر کل تردد میان بخشهای جداگانه دژ دلالت می‌شود اما برای یک موجودیت منفرد سیاسی نیز به خوبی درهم آمیخته بودند. هیچ پیشنهادی وجود ندارد که هر نهادی به طرز بسیار مهم از کلیت ساختار قدرت سیاسی در مدت دوره بازسازی تفاوت یافته باشد. هرچند طرحریزی کارا کترهای نهادینه به نظر نمی‌رسد که بسیار تحول یافته باشند - تداوم در ساختار سیاسی اورارتویی پیشنهاد می‌شود - اما چنین می‌نماید که روابط میان این عناصر دستگاه سیاسی دولت تعدیل و دگرگونی یافته‌اند.

تیشبایی او رو در راستای محورهای نظام معماری متفاوتی ساخته شده بود تا اینکه همراستای اربونی یا آرگیشتی هینیلی. با مطالعات ارزشمند سازماندهی نهادهای اورارتویی ساخت و ساز آن [تیشبایی او رو] شگفت

نقاشیهای تزئینی مکشوف بر دیوار پشتی شناخته می‌شود.^{۲۱} اقامتگاه سلطنتی به لحاظ نظام ساختار واحد و یکپارچه است. با توجه به نمودار مکانی که سایت را نشان می‌دهد، اتاقهای واحد ۵ بسیار نامتقارن و متمرکز هستند که حدس کنترل شدید و پیوستگی کمتر را مطرح می‌کند. این اثرات با محاسبه RRA و ارزشهای کنترلی برای اتاقهای این مجموعه تصدیق شده‌اند.

روی هم رفته، دژ اربونی یک [نظام] تقسیم بندی فضا به مجموعه اتاقهای مشابه را نمایش می‌دهد با آنکه در آرگیشتی هینیلی این کار با افزودن مجموعه‌ای از اتاقهای نشیمن انجام شده است. گرچه کتیبه‌ها تاکید دارند که اربونی به عنوان پایگاهی برای لشکرکشیهای آتی به شمال ساخته شده بود، آن اصلاً شهری پادگانی [شهری نظامی] بود. در اربونی همان نهادهای دولتی - اداری، مذهبی و اقتصادی - که در نظام معماری آرگیشتی هینیلی مشهود بودند نیز مستنداً وجود داشتند.

متأسفانه، در حال حاضر ارتباط تقسیمات نظام معاری مشهود در دژها از طریق مطالعه متون عناصر شناخته نظام اداری اورارتویی، که زیمانسکی خطوط کلی آن را ترسیم و جزئیات آن را شرح داده است، غیر ممکن است (ابتدا از طریق منابع دوره بازسازی).^{۲۲} هرچند که، دو مشاهده در پیوند گزارشهای باستانشناختی و تاریخی شایان ذکر هستند: اول اینکه گزارش اپی گرافی^{۲۳} را به لحاظ بعد اداری دولت تنظیم می‌کرده است و بنابراین، آنگونه که با آنالیز نظام معماری پیشنهاد می‌گردد، فقط یکی از سه نهاد اولیه دژهای اورارتویی در دشت اشغالی آرات را توصیف و تبیین می‌کند. در نتیجه درک کاملی از سازمان سیاسی اورارتویی نمی‌تواند منحصر از منابع مکتوب حاصل گردد. دوم اینکه، تقسیم به نظام اداری سلطنتی و ایالتی پیشنهادی زیمانسکی شاید به لحاظ جغرافیایی گوناگون باشد.^{۲۴} هرچند کتیبه‌های مناطق مرزی آشوری نظامهای اداری ایالتی مشخص و مجزا از بوروکراسی سلطنتی را توصیف و معرفی می‌کنند اما در دشت آرات است که در آنجا مدرک باستانشناختی برای تقسیم‌بندی درون ساختار امپراتوری میان یک نظام اداری سلطنتی و مجموعه‌ای حاشیه‌ای از نظامهای اداری ایالتی وجود می‌یابد. تنوع پذیری منطقه‌ای در استراتژیهای به کار گرفته شده با قوانین امپراتوری در دیگر زمینه‌ها مستند شده است و نیز تبیین شکلی بسیار متفاوت از استقرار اورارتویی در مجاورت دشت شیرک در محوطه هروم شمالی را مستنداً ظاهر می‌کند.

۳ - هروم شمالی

امروزه توسعه اقتدار اورارتویی به دشت شیرک فقط در سایت هروم شمالی به طور باستان‌شناسانه مستند شده است.^{۲۵} هرچند که در مقایسه با دیگر مراکز امپراتوری، نقشه ویژه و منحصر به فرد این دژ و امکانات و احتمالات برای کشف و شناسایی باستانشناختی تنوع منطقه‌ای در سازمان قدرت اورارتویی بسیار جالب می‌نماید (تصویر ۷).

دژهای عصر آهن اولیه با توجه به ویژگی توپوگرافیک منطقه شکل می‌گرفتند و طرح و پلان بی‌قاعده داشتند. این ارتباط تنگاتنگ میان سرزمین و طرح معماری آنجا که دیوارها موازی خطوط منحنی تراز هستند و با درجه‌ای قائم بریده می‌شوند یا در بعضی حالات به سادگی در شیب طبیعی صخره‌ها واقع می‌شوند، مشهود است. این بعد توپوگرافیک دژهای عصر آهن اولیه در تضاد چشمگیر با خطوط مستقیم و زوایای راست گوش بسیاری از دژهای اورارتویی بود. گرچه دژهای اورارتویی عموماً همراستای خطوط توپوگرافی محل می‌شوند اما موقعیت دیوارها وابسته به هدایت خطوط منحنی تراز نیست؛ با وجود آنکه هروم شمالی از این ویژگی اورارتویی به مستقیم بودن [دیوارها] می‌گراید، دیوارهای دژ هروم پادگان و شیب شرقی تپه را بر اساس توپوگرافی قوسی شکل احاطه می‌کنند تا

همکف در این محوطه ترکیبی نبود تا به مجموعه معماری واحدی تبدیل گردد بلکه به تعدادی واحدهای مستقل تقسیم شده بود که فقط از معابر جداگانه‌ای در طبقه بالا قابل دسترسی و دخول بودند.

واحد A، شامل اتاقهای ۱ تا ۵۳ از مکان A قابل دسترسی بود؛ واحد ۲ شامل اتاقهای ۵۴ تا ۹۲ از مکان B قابل دسترسی بود؛ واحد ۳ از طریق مکان C قابل دسترسی بود که ناتمام مانده و اتاقهای ۹۶ و ۹۹ تا ۱۱۶ را شامل می‌گردید. مقایسه آماری ارزش RRA برای محوطه‌های دوران امپراتوری و تیشبایی اورو برکاهش بسیار ترکیب ساختارها (افزایش در طرح نامتقارن) در مرکز منطقه‌ای دوره بازسازی دلالت می‌کند. تفاوت میان ارزشهای RRA دوره امپراتوری و تیشبایی اورو بسیار قابل توجه است ($P < 0.001$). این تقسیم و عدم ترکیب مکان افزایش تفاوت اجزاء نهادینه دولت اورار تویی را پیشنهاد می‌کند.

این تأثیر افزایش تفاوت میان اجزاء سازنده نظام اداری اورار تویی توسط بخشهای حاشیه‌ای کارکردی متنوع درون دژ تأکید شده است. طیف فعالیت‌های انجام شده در طبقه همکف کاملاً به انباشت شراب، غله و ظروف، ابزار آشپزخانه، آبجوسازی، روغن بذرک، استخوان و اشیاء فلزی در انبارها محدود بود.^{۳۳} برخلاف خدمات انبارداری در اربونی و آرگیشتی هینیلی، کاوشگران در کارمیربلور چندین اتاق بزرگ جداگانه برای نگهداری غلات (۴۷، ۵۸ - ۶۴ و ۶۶ - ۷۴) و شراب (۱۸ تا ۲۰ و ۲۳ تا ۲۷) یافتند که از طبقه دوم قابل دسترسی و دخول بودند.

تفکیک خدمات انبارداری حاشیه‌ای در سایه کلیت عدم تقارن فضای ساختمانی در تیشبایی اورو قویاً این حدس را مطرح می‌سازد که اجزاء نهادی قدرت سیاسی اورار تو در کل متفاوت بوده‌اند تا آنکه در نظام اداری آنان [پخش] ثروت زیاد هم متناسب نبود. وانگهی، ارزشهای کنترلی مکان‌هایی کلیدی در واحد را (۱۰، ۱۸، ۷۸B و ۱۰۴) را می‌شناساند که تردد محوطه را سامان می‌بخشیدند. هرچند واحدهای ۱ و ۲ اندکی نامنظم هستند (آنگونه که در تصویر ۹۵ نشان داده می‌شود) فضاهای واحد ۳ بسیار متمرکز هستند که فقط با اقامتگاه سلطنتی اربونی قابل مقایسه و تشابه است.

بدون شناخت کامل زمینه سازی طبقه دوم، شناسایی ماهیت ویژه اجزاء نهادی دولت اورار تویی که شاید ادعا شود در مکان‌های تفکیک شده طبقه همکف وجود داشته‌اند، بسیار دشوار می‌نماید. هرچند به نظر می‌رسد ایجاد اتاقهای مسکونی متمایز و جداگانه در دژ اورار تویی دوره امپراتوری موجه باشد برای آنکه بهترین مؤلفه برای چنان تقسیم بندی پیشنهاد شود که در راستای همان محورهای - اداری، مذهبی و اقتصادی - شناخته شده در دژهای قرن ۸ ق.م خواهد بود. دومین احتمال آن است که فضاهای واحد ۳ بخشی از اقامتگاه سلطنتی و تسهیلات مستقل برای انبارداری بودند که اجزاء اقتصادی دولت را تعریف و تبیین می‌کند که در دوره امپراتوری کاملاً میان حوضه‌های بازمانده نظام سیاسی تخصیص، تقسیم و تسهیم شده بوده است.

نتایج

با عنایت به فروپاشی قدرت سیاسی اورار تو در ماوراء قفقاز جنوبی، مدرک باستانشناختی بسیار جالب توجهی برای عدم وحدت سیاسی در مدت دوره بازسازی وجود دارد. شرح سنتی فروپاشی اورار تو - اشغال شده توسط سکاها - در این باره قطعاً پرسشی می‌طلبد که چرا، در کمتر از یک قرن، اورار تو به دفع حملات کیمیریان و آشوریان و تحکیم مجدد قوای خود توانا بوده است ولی شکست نظامی در پایان قرن ۷ ق.م به فروپاشی سیاسی کاملی انجامید که حتی یاد و خاطره امپراتوری اورار تویی واقعاً ناپدید و محو گردید. مدرک مکانی برای تفاوت نهادی در تیشبایی اورو پیشنهاد می‌کند

می‌نماید - [نهادهایی] که در پایان ق ۸ ق.م از هم فرو می‌پاشد. [به واسطه این مطالعات] تعدیل‌ها و اصلاحات قابل توجهی در روابط میان اجزاء سازنده نهادها به وجود آمد.^{۳۷}

دژ کارمیر بلور، به استثناء دو الحاق کوچک بعدی، در برهه‌ای ممتاز ساخته شد. تیشبانی اورو شامل دو واحد معماری مجزا می‌شود (تصویر ۱۲): دژ اصلی و حیاطی رو به غرب که با دیواری دفاعی احاطه می‌گردد.^{۳۸} ورودی دژ از دو دروازه دارای معبر بود که با تقاطع دو واحد مشخص گردید؛ دروازه اصلی رو به جنوب و دروازه پشتی رو به شمال.^{۳۹} معبر اصلی دروازه، در انتهای جنوبی حیاط، بود که در طرفین آن دو برج بزرگ قرار گرفته‌اند با معبری ورودی که مشابه دروازه شاهی هاتوشاش پایتخت هیتی ساخته شده است.^{۴۰} دروازه پشتی فقط با یک برج واحد در گوشه شمال شرقی دژ حفاظت می‌شد.

دیوارهای استحکامی کارمیربلور شامل دیوارهای مستقیم و قائم سترگ و ستبری می‌شوند که یک در میان با مجموعه‌ای از پشت بندها و برجهای چهارگوش بزرگ از همدیگر جدا می‌شوند. نمای دیوارهای استحکامات با بلوکهای سنگی به شیوه حجاری یاد برده ساخته شده بودند و هسته مرکزی لاشه سنگی است. دیوارهای دژ خارجی از ازاره‌های سنگی سترگ با ارتفاع حدوداً ۲ متر (چهار ردیف تخته سنگ) و ضخامت ۳/۵ متر با روکش و نمای خشتی ساخته شده بودند. کف زمین به عنوان سکوی طبقه دوم به کار می‌رفت و شامل تعدادی اتاق هم می‌شد. برخلاف اربونی، در دیوارهای دژ بیشتر خشت به کار رفته بود تا سنگ. با بهره‌گیری از توپوگرافی ناهموار محوطه جهت ایجاد سطحی شیبدار، کف زمین دژ با ترازهای متفاوت ساخته شده بود. اتاقها در نقشه محوطه فقط این طبقه همکف را نمایش می‌دهند؛ متأسفانه، دسترسی به داده‌های قابل وصول جهت تبیین واضح و آشکار سازمان‌دهی اتاقها در طبقه دوم امکان ندارد.

گرچه نقشه محوطه کوچک بخش جنوبی دژ توصیف نشده و تبیین نگشته بازمانده است اما ۱۳۰ اتاق مجزاء از طبقه همکف و درگاههایی که به آنها اتصال دارند نقشه برداری شده‌اند.^{۴۱} نظام معماری تیشبایی اورو می‌تواند فقط به صورت ناقص ارزیابی شود زیرا فقط سازماندهی مکانی طبقه همکف مقدور بوده است. گذرگاهی که اتاقهای همکف را وصل می‌کرد دژ را به سه واحد معماری جداگانه و مشخص تقسیم می‌کند: یکی در ۱/۳ بخش شمال غربی دژ، دومی در مرکز و سومی فقط در جنوب دژ تا حدی تبیین شده است.

تصویر ۱۲ پیش‌دوری نمودار مکانی برای طبقه همکف دژ را تهیه می‌کند. در این نمودار، نقاط دسترسی (تراز صفر) بر بیرون دژ دلالت ندارند (آنگونه که در نمودار مکانی اربونی و آرگیشتی هینیلی). در واقع، رجوع به مکان‌های مجزا در طبقه بالا از میان طبقه پایین قابل دسترسی بود (تصویر ۱۲: A-C). هیچ درگاهی پیدا نشد که از حیاط به طبقه همکف منتهی شود که دلالت می‌کند فقط ورودی به دژ احتمالاً از طریق پلکانهای بالا رونده شرقی مجاور دروازه اصلی بوده است.^{۴۲}

گرچه فقدان اطلاعات درباره زمینه سازی طبقات بالاتر مانع درک و شناخت ما از سازمان دژ می‌شود اما نظام معماری طبقه همکف به تنهایی بر سازماندهی بسیار متفاوت مکان نسبت به دژهای قرن ۸ ق.م اشارت دارد.

هرچند دژهای عصر امپراتوری ساختاری فشرده و متراکم داشتند که نهادهای گوناگون دولت - معبد، سلطنتی و موقوفه - را یا هم ترکیب کرده و به موجودیتی واحد تبدیل می‌کردند اما نظام معماری تیشبایی اورو از این مدل بسیار دور می‌شود.

اول به نظر نمی‌رسد ترکیب اجزاء سازنده‌ای که در اربونی و آرگیشتی هینیلی مشاهده می‌شوند، زمینه ساز طرح تیشبایی اورو بوده باشند. طبقه

آرارات فرایندهای تعمیم یافته شکل‌گیری امپراتوری و تحکیم قدرت آن را به دست نداد اما تشکیل قدرت در منطقه به انتشار رسمی چشم‌اندازی ویژه از قدرت منسوب بود که روابط نابرابر میان شهروندان و دولت و تثبیت روابط نهادین برای تشکیل جنبه مدیریتی اقتدار سیاسی دولت را تبیین کرد.

پی‌نوشت

۱- این مقاله ترجمه‌ای است از:

1999. A.B. Smith, *The Making of an Urartuian landscape in southern Transcaucasia: A study of political Architectonics.*

1 - A. Erzen, *Cavuştepe : Urartian architectural Monuments of the 7th & 6th centuries B. C & a necropolis of the Middle Age* (Ankara 1988).

۲- تداوم اشغال آرگیشتی هینیلی با وجود کتیبه‌های شاهان قرن ۷ پ.م. تصدیق شده است؛ مبنای فرض تداوم اشغال "وسکواز" هنوز منتشر نشده است (گفتگوی شخصی با هیرن و اکایان ۱۹۹۶). ادعای اشغال هروم شمالی در قرن ۷ ق.م مبتنی بر آنالیز سبک‌های سفال در بازسازیهای متوالی ترازهای معبر دروازه B1 است (گفتگوی شخصی با کرول ۱۹۹۷).

3 - E. g. Melikishvili nos. 146 & 147.

۴- طرز روش آنالیز مکانی که در اینجا تعریف گردید را اساساً هیلپیر و هانسن تعریف کرده بودند.

(*The social logic of space*, Cambridge 1984)

این تکنیکها را تا به حال تی. ای. مارکوس با مقاله اینیه و قدرت (New York 1993) تجدید نظر و آنها را از تئوری زایشی مکان اجتماعی بسیار مسأله دار هیلپیر و هانسن تفکیک کرده است. زمینه این تکنیکها دو فرض کلیدی هستند؛ آنکه مکان جنبه‌ای مداوم و ساختارمند فعالیت روزانه است و دیگر آنکه دسترسی متفاوت به مکانها، «تراوایی» آنها قدرت اجتماعی سیاسی متفاوتی را در فضای ساخته و پرداخته جای می‌دهد.

۵- ارزشهای واقعی عدم تقارن نسبی در یک سیستم بدین ترتیب محاسبه می‌شوند؛ اول نقطه‌ای شاخص انتخاب می‌کنیم و بعد هر فضایی را داخل سیستم با توجه به تعداد قدمهایی که از نقطه شاخص دارد به آن یک ارزش عمقی می‌دهیم. سپس بر اساس ارزشهای عمقی فضاهای مختلف عمق معادل سیستم (MD) را حساب می‌کنیم و با توجه به آن ارزش واقعی عدم تقارن نسبی سیستم محاسبه می‌شود. بنابراین تمام فضاهایی که در کنار نقطه شاخص قرار دارند ارزش عمقی آنها ۱ خواهد بود، آنهایی که یک قدم دورترند ارزش عمقی آنها ۲ خواهد بود و الی آخر. MD آن است که تمام اینها را جمع می‌کنیم و معادل می‌گیریم؛ به تعداد فضاهایی که در سیستم وجود دارند و با علامت (k) نموده می‌شوند، منهای عدد یک (که فضای اصلی است). وقتی که معادل عمق محاسبه شد RA برای یک فضا با توجه به فرمول $RA = 2(MD - 1)$ محاسبه می‌گردد. ارزشهای RA مابین 1 تا 0 هستند. به این منظور که این ارزشهای داده شده با سازه‌های دیگری که ابعادشان فرق می‌کنند، قابل مقایسه باشند ارزش هر RA باید به عددی ثابت تقسیم گردد که توسط هیلپیر و هانسن به صورت جدول در آمده است و ایشان عدد ثابت را ۱۱۲ به دست آورده‌اند که به این ترتیب RRA محاسبه و حاصل می‌گردد. بنگرید به:

T. J. Ferguson, *Historic Zuni Architecture & Society: An archaeological application of space syntax* (Tucson 1996) 12 - 15

که بذره‌های افول سیاسی اورارتو شاید توسط خود استراتژیهای سیاسی اورارتو کاشته شده و جوانه زده‌اند. ظاهراً به نظر می‌رسد که دولت اورارتویی عصر امپراتوری دشت آرارات در اصل مجموعه‌ای متحد از حوضه‌های نظامهای سیاسی، مذهبی، نظامی و اداری در قالب رژیم واحد بود. اگر در مقام استدلال به منظور [توجیه] سقوط سیاسی در پایان دوره امپراتوری برآییم، این ساختار پراکنده بود که پذیرش حقیقت تفرق قدرت به بهای اتحاد کل را اجازه می‌دهد، سپس این تفاوت [ساختار] داخلی شاید تا آنجا رود که ما را جهت درک رقابت نهادینی یاری کند که اورارتو را از مقاومتی موفق علیه رخنه و نفوذ سکاها یا [احیاء] اقتدار سیاسی توانمند پس از شکست نظامی بازداشت.

در مقاله جهت تبیین رویکردی بسیار فرایندی برای افول اورارتو مجموعه‌ای رقابتی از گرایشها یا چند دستگی و تفرقه درون پایه‌های نهادی نظام سیاسی اورارتویی و تنوع پذیری استراتژیهای حکومت اورارتویی با توجه به زمان و مکان وجود دارد. طنز آمیز آنکه فضایی برای رقابت گروهها و دسته‌ها برای بقای قدرت سیاسی در مدت پایان قرن ۸ ق.م وجود داشته است. شاید خود دولت اورارتویی زمینه ساز افول و مرگ امپراتوری شده باشد. هرچند می‌باید تأکید شود که مدرک برای پراکندگی نهادی در دشت آرارات تاکنون فقط حدسی بوده است. کاوشهای آتی در محوطه‌های عصر بازسازی در مسقط الرأس سیاسی اورارتو یعنی پیرامون دریاچه وان نکات جالب توجه بسیاری دربر خواهد داشت که هرگونه مشاهده پذیری تفاوت درونی [ساختار سیاسی] در نواحی پیرامونی مشابه را جهت ایفای نقشی که در سبکی بسیار دراماتیک در هسته امپراتوری داشته‌اند، مقدور می‌کند.

من در این مطالعه پیشنهاد می‌کنم که شکل‌گیری و اداره دولت اورارتویی در دشتهای آرارات و شیرک ماوراء قفقاز جنوبی ایجاد و عنایت به چشم‌اندازی اورارتویی از طریق قدرت سیاسی می‌تواند که اعمال گشته بود. با اتخاذ رهیافتی چشم‌انداز - متمرکز به تشکیل قدرت سیاسی، من جهت شفاف کردن تبیین مکانی بر هم کنشهای دولت - شهروندان کوشیده‌ام. براساس مدارک مکانی و توپوگرافیکی، مشاهده مدلسازی و تعدیل و اصلاحات در استراتژیهای اورارتویی برای هدایت و ساماندهی ملل تابع ممکن است. با توجه به نظام معماری عصر اورارتویی گشتار روابط دولت - شهروندان از عصر آهن اولیه بر فاصله و عدم دسترسی دستگاه سیاسی حاکم و بر هم کنشی مستقیم و مداوم نظارت عالی دلالت دارد و اساساً ضرورت تاریخی اقتدار سیاسی اورارتو در منطقه بود.

هدف دوم این آنالیز تشریک مساعی جهت فرا رفتن نقد باستانشناختی از ادراکات جزئی دول باستانی بوده است. با ایجاد امکانی برای رقابت درون سازمان ساختاری قدرتهای سیاسی، من امیدوارم که این [مقاله] روشن نماید که من امپراتوری اورارتویی را در کل اعصار چونان ساختار [سیاسی] واحد تحمیلی تصور نمی‌کنم. هرچند من اعتقاد ندارم که نظام سیاسی در [قالب] نظریه باستانشناختی می‌توانست چندین درهم شکسته شود که ما شفافیت ذاتی قضیه را هم در بعد پدیده‌های اجتماعی و هم بعد موضوع آنالیز گم کنیم. برای بیش از حد چند دسته کردن [چند قومیتی کردن] دولت اورارتو بعد در زمانی (diachronic) توسعه سیاسی اغماض می‌شود و بنابراین ما به نمایش تفاوت نهادین ساخت محیط پیرامون به طرز گونه‌ای و نه زمینه‌ای در دوره بازسازی راهنمایی می‌شویم. تکلیف آنالیز مکانی انتقادی آن است که نشان دهد چگونه اشکال مکانی خطوط کلی روابط نظام معماری را ترسیم می‌کنند که در شکل‌گیری و بازسازی نظامی ویژه مفید هستند. مسأله برای باستانشناس طرح اندازه‌های مکانی است که نظام معماری چشم‌انداز را به طریقی که راه ایشان را به آنالیز می‌گشاید، بیان کند. چشم‌انداز از اورارتویی دشت

24 - Zimansky 89.

۲۵- کاوشهای هرود شمالی توسط بدلجان گزارش شده‌اند. دیگر دژهای منطقه، آنگونه که گفته می‌شود اورارتویی هستند (همچون آگونک، گارنائویت جنوبی و هانابرد)، را من در پژوهشهای منطقه‌ای آتی خود شرح و توضیح خواهم داد.

26 - A. T. Smith & K. Kafadarian, "New plan of early Iron age & Urartian Fortresses in Armenia: a preliminary report", *Iran 34* (1996) 25 - 37.

۲۷- درباره‌ی نظم گاهنگاری در دژهایی که روسای دوم ساخته بود بنگرید به مقاله:

A. Cilingiroğlu & M. Salvini, "Rusahinili in front of Mount Eridu: The Urartian fortress of Ayanis (7th century B.C)", *SMEA 35* (1995) 111-24.

۲۸- درباره‌ی کاوشهای تیشبایی اورو (که قبلاً تیشبایی تلفظ می‌شد) چند گزارش‌های مقدماتی می‌توان یافت همچون گزارشهای پیوتروسکی (۱۹۶۹ و ۱۹۵۹) و اگانزیان (۱۹۵۵). گرچه که اگانزیان (۳۷ و ۱۹۵۵) کاملاً درباره‌ی آنکه کدام بخشهای دژ را شرح و بسط می‌دهد کاملاً واضح و شفاف نیست اما قطعاً بخش احاطه‌کننده کوچکی به دیوار دفاعی غربی دژ اضافه شده بود.

29 - Piotrovskii 1969, 137.

30 - Kafadarian (Supra, n. 42) 64.

۳۱- شماری از این اتاقها که کاملاً کاوش شده بودند وضعیت مشخصی در گزارش‌ها ندارند. در ۱۹۵۵، اگانزیان (۱۹۵۵) چهل اتاق را گزارش کرد که ۶۵ اتاق هستند.

۳۲- وضعیت نسبی دروازه ورودی در هیچ نقشه‌ای از سایت بوضوح مشخص نشده است، هر چند که پیوتروسکی (۱۹۶۹) به ۱۳۸ مکان در مجموعه جنوبی مجاور دروازه اصلی دژ اشاره دارد و توپوگرافی محلی در این محوطه بر اهمیت تقابل یا نمای دیوار دلالت دارد. در اصل، حضور شیب راه‌های ورودی در اینجا شاید فقدان برجی بزرگ در نمای این دیوار را توجیه کند.

33 - Piotrovskii 1969, 139.

چند نکته:

آقای کامیار عبدی Architectonic را چنین معرفی کردند: مولفه‌ها یا متغیرهای عوامل ساخت و سازهای - ساخت و سازی. Political architectonic ساخت و ساز سیاسی.

همچنین کلمه Built environment را به محیط ساخته و پرداخته و حتی محیط سازه‌ای معرفی می‌کنند. Built environment در مقابل nature environment است، یعنی محیطی که انسان در آن دخل و تصرف کرده و به آن شکل داده و فضاهایی ساخته است؛ محیطی طبیعی که دیگر بکر و طبیعی نیست.

و نیز دکتر علیرضا هژبری نوبری مفهوم Architectonic را وحدت و یکپارچگی ساختار و نظام معماری می‌دانند.

و نیز برای جزئیات بیشتر مباحث روشهای محاسبه عدم تقارن و کنترل بنگرید به (Markus (Supra, n. 38).

[برای ترجمه پاروقی شماره ۵ از یاری آقای کامیار عبدی سپاسگزارم. مترجم]

6 - P. L. Kohl, "The Transcaucasian periphery in the Bronze Age", in P.A. Urban & E. M. Schortman eds., *Resource Power & regional Interaction* (London 1993) 117 - 37.

7 - E. V. Khanzadian et al., *Metsamor* (Yerevan 1973); R. Badaljan et al., "Preliminary report on the 1992 excavations at Horom, Armenia", *Iran 31* (1993) 1-24.

۸- همه جزئیات درباره‌ی کاوشهای آرگیشتی هینیلی در گزارش مارتیروزیان منعکس شده‌اند. جزئیات معماری سایت در مقاله کافاداریان بحث شده‌اند، *Arkitektura goroda argishtihinili* (Yerevan 1984)

9 - Kafadarian (Supra, n. 42) 134.

10 - Martirosian 90.

11 - Martirosian 86 - 87.

12 - Martirosian 86; Cf. T. Forbes, *Urartian architecture* (Oxford 1983)

13 - W. Kleiss, *Bastam / Rusa - I - URU. TUR: Beschreibung der Urartaischen und Mittelalterlichen Ruinen* (Führer zn archaologischen plätzen in Iran 1, Berlin 1977) 30 - 32.

۱۴- جزئیات کاوشهای اربونی در مقاله اگانزیان (۱۹۶) گزارش شده‌اند.

۱۵- یادآوری می‌گردد که جهت یابی نقشه اربونی منتشره فریز نادرست است. فلش شمال نمای نقشه وی می‌باید ۴۵ درجه به سوی شرق بچرخد.

۱۶- هرچند استحکامات اربونی در دوره متأخر بازسازی شده‌اند، اما بخشهای پایینی که در *insitu* هستند پیشنهاد می‌کنند که کلیت نقشه دژ کاملاً تغییر نیافته است. فقط بخش جدا مانده شمال شرقی دیوار، جاییکه پشت بندهای [شمعک] برآمده منظمی در ۶ ردیف قرار دارند، به سبک ساخت و ساز هخامنشی منسوب می‌گردد تا اینکه اورارتویی.

17 - Piotrovskii 1969, 70.

18 - G. A. Melikishvili, "Urartskie klinoobraznye Nadpisi II", *VDI 4* (1971) nos. 396 & 397.

19 - Piotrovskii 1969, 70.

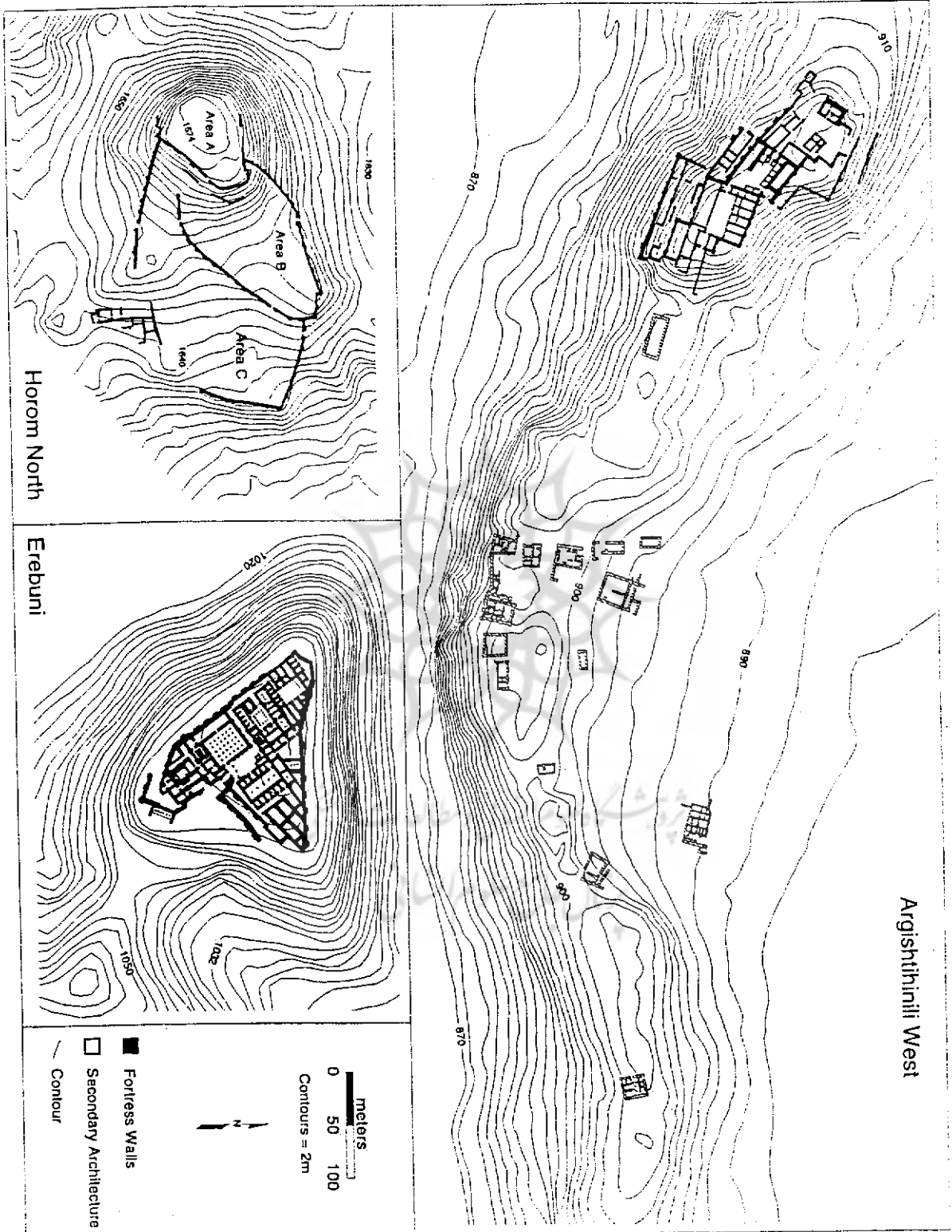
۲۰- همان.

۲۱- برای بحث بیشتر درباره‌ی نقاشیهای اربونی بنگرید به:

K.L. Oganessian, *Rospisi Erebuni* (Yerevan 1973)

22 - Zimansky 77 - 94.

۲۳- Epigraphy شاخه‌ای از رشته Palaeography است که به مطالعه کتیبه‌های نگاشته بر مسکوکات، فلزات، سنگها و صخره‌ها می‌پردازد. (دایرة المعارف بریتانیکا) [مترجم]



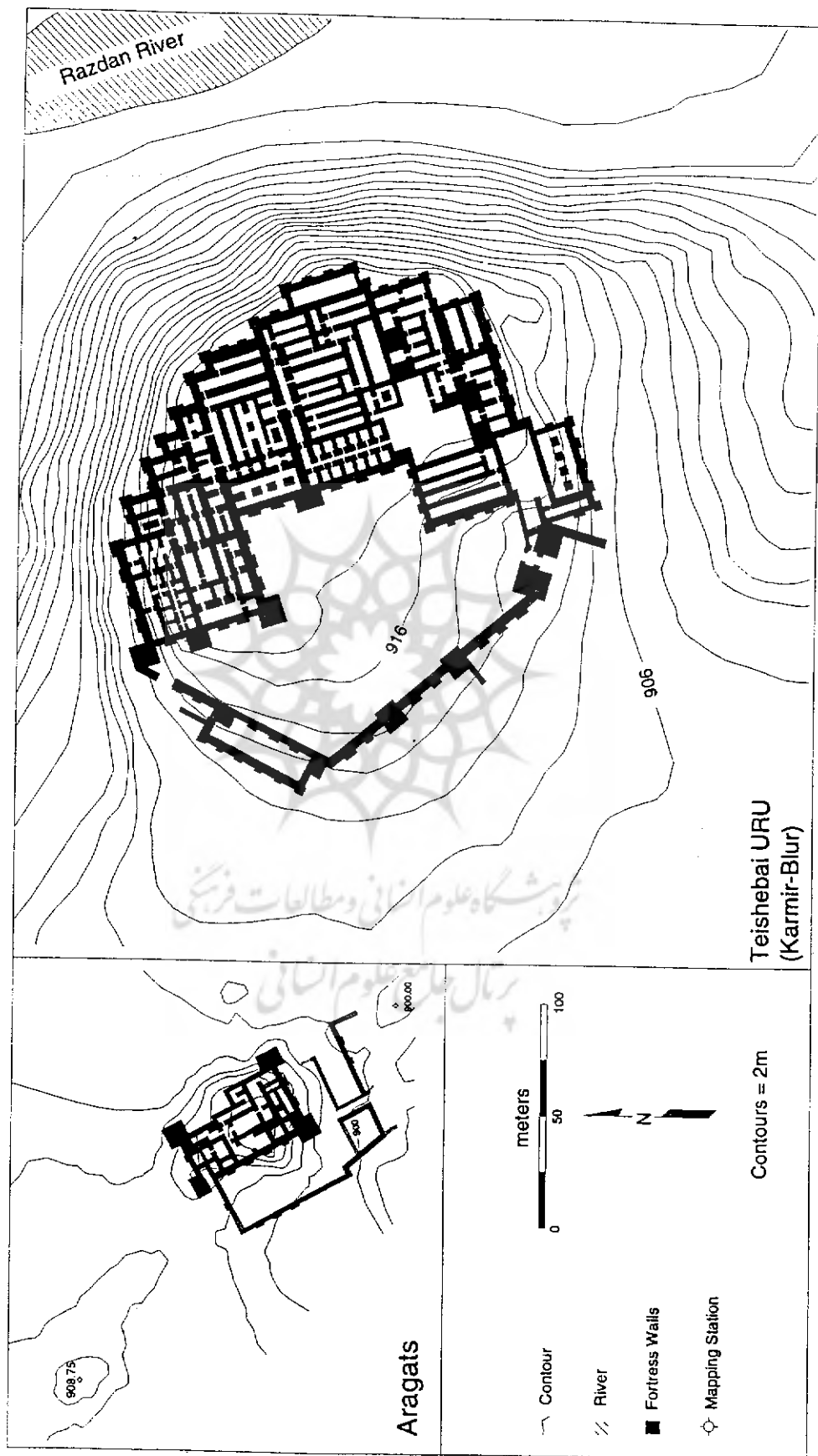


Fig. 8. Reconstruction-period Urartian fortresses of the Ararat plain

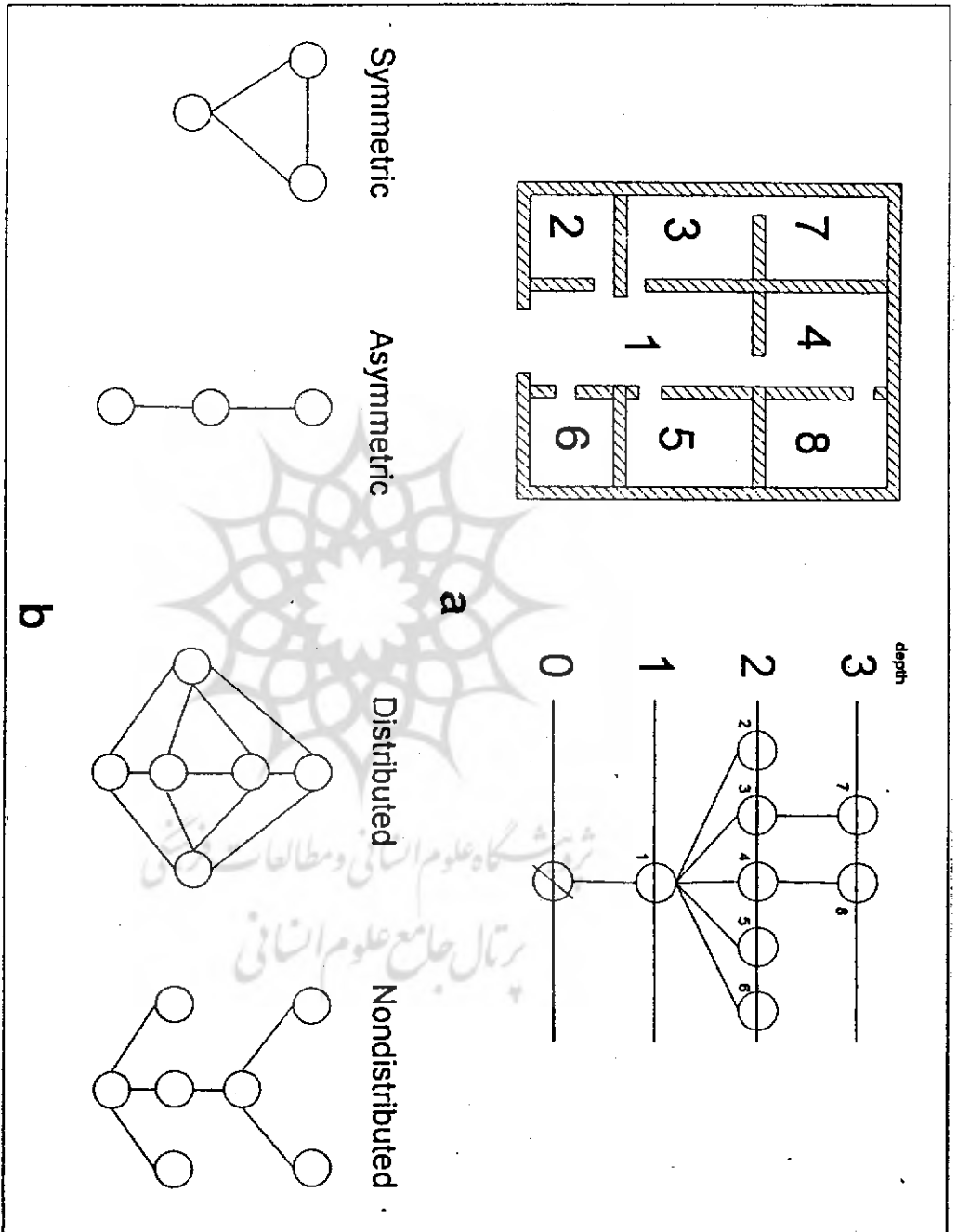


Fig. 9. Elements of architectonic analysis: a) creation of spatial graphs from architectural plans; b) symmetry and distribution of spaces. (After B. Hillier and J. Hanson, *The Social Logic of Space* [Cambridge 1984] Figs. 35–38)

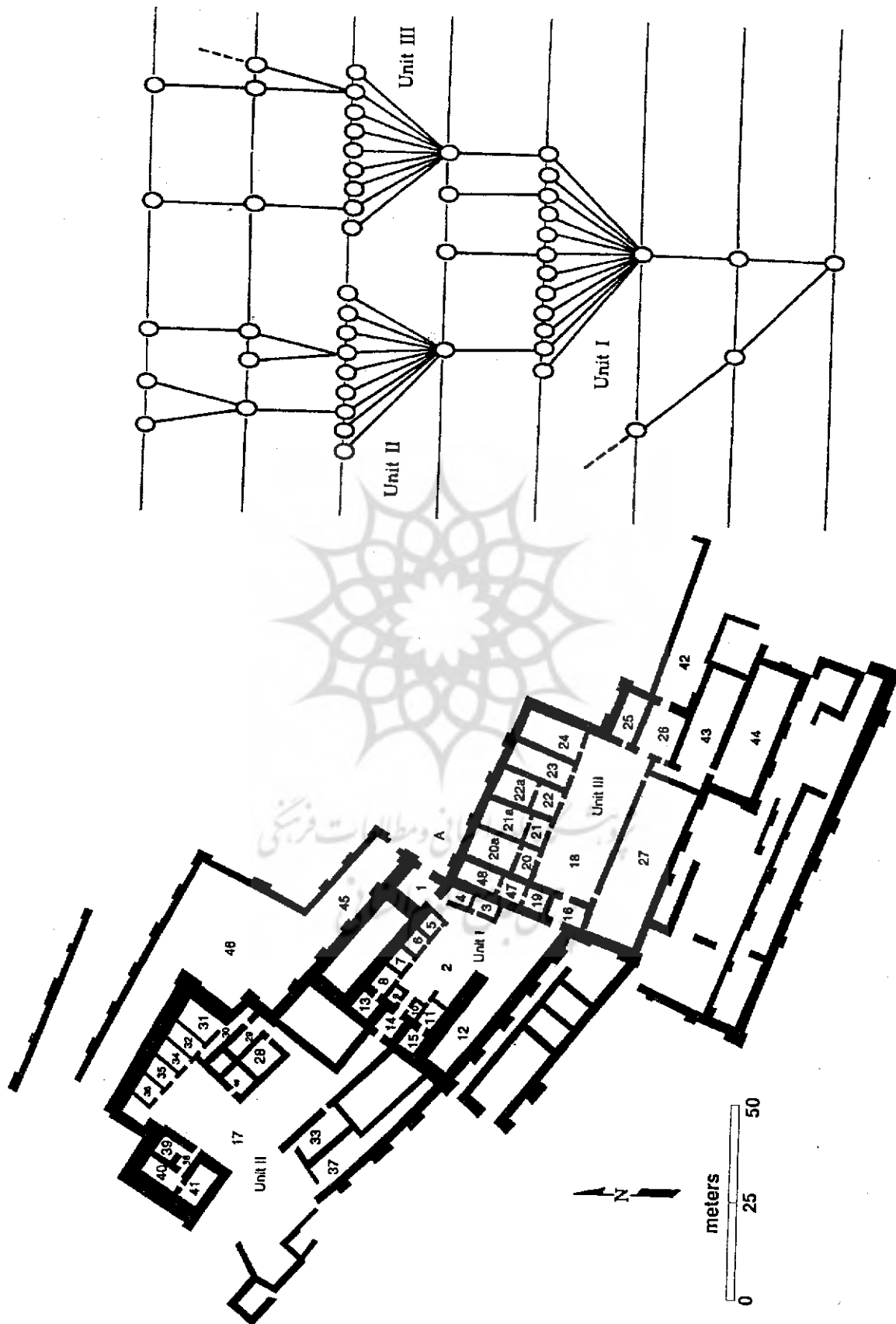


Fig. 10. Argishtihalli: plan and spatial graph

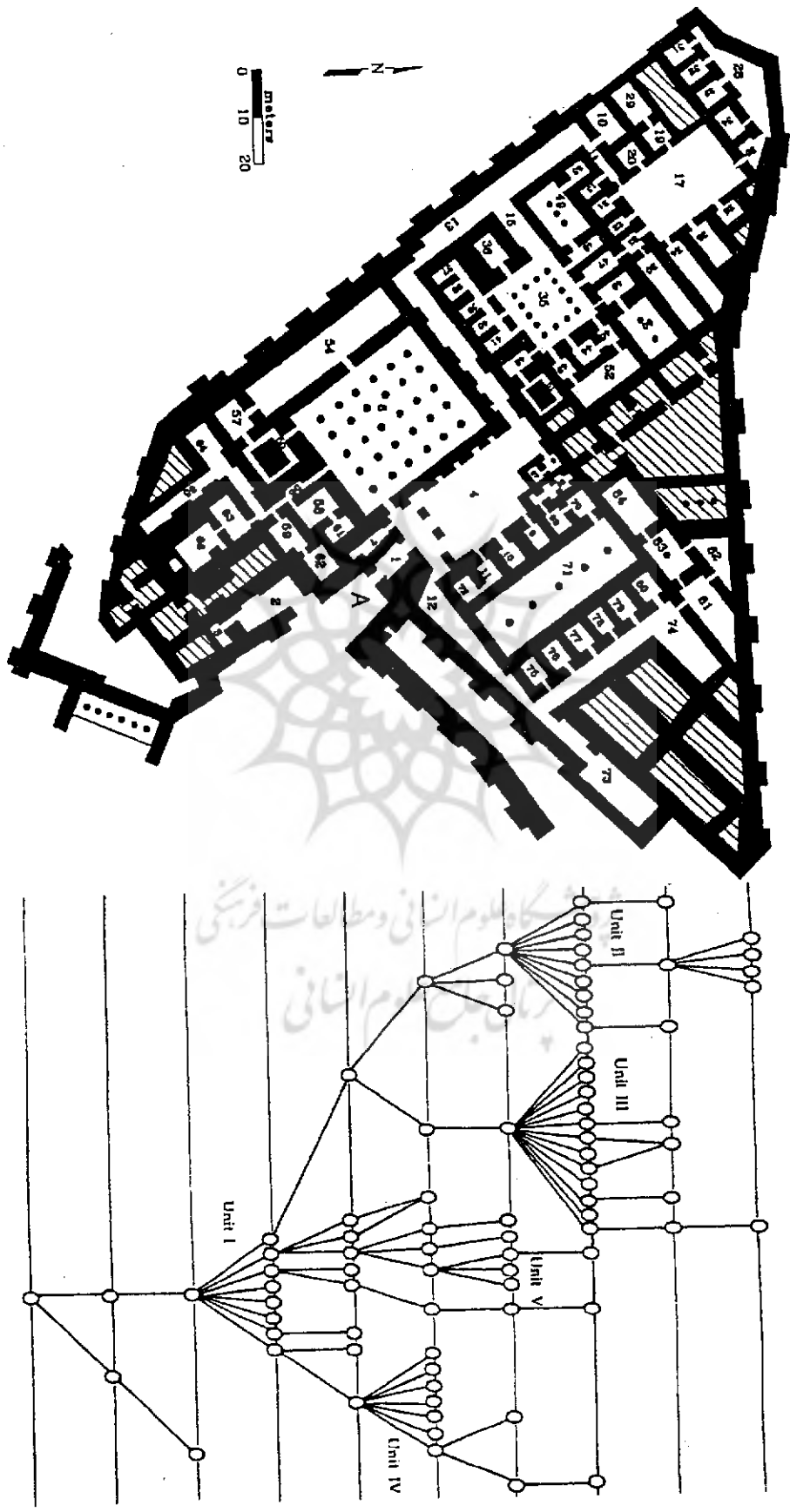


Fig. 11. Erebuni: plan and spatial graph

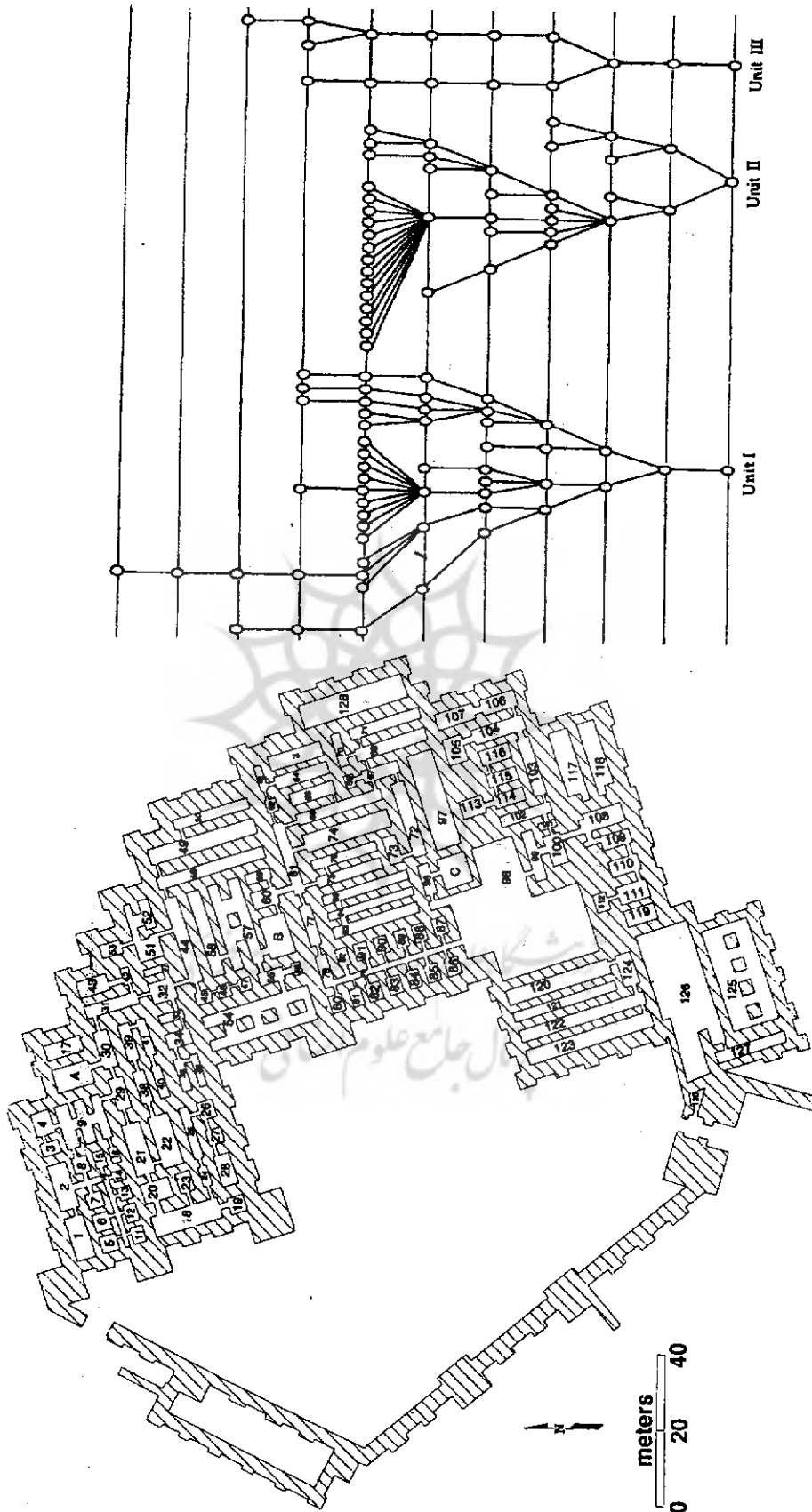


Fig. 12. Teishebai URU: plan and spatial graph